

## گزارشی از مبارزات معلمان در بهمن ماه ۱۳۸۵

اختصاصی وبلاگ کارگر

دهم اسفند ماه هشتاد و پنج

ما خواستار تصویب و اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری، و نظام پرداخت هماهنگ حقوق هستیم". این فشرده آن چیزی بود که معلمان تهران و نمایندگان تشکل های فرهنگیان سراسر کشور را روز ۱۶ بهمن در مقابل مجلس شورای اسلامی گرد آورد.

هماهنگ کردن حقوق پرسنل نهادهای دولتی و هم طراز کردن آن در نهادها و وزارت خانه های مختلف، هدفی بود که در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی، در قالب لایحه مدیریت خدمات کشوری به مجلس ششم ارائه شد. دولت فعلی نیز در آغاز کار خود از تصویب این لایحه در مجلس استقبال کرد و تحقق برخی از وعده های خود را نیز موکول به اجرای این لایحه دانست. حتی یک ماه پیش مقامات دولتی وعده دادند که با اجرای این لایحه از ابتدای سال ۸۶ مشکلات حقوق معلمان بر طرف خواهد شد. اما در حالی که اجرای لایحه مزبور به تصویب مجلس ششم رسیده بود، با نامه دولت از شمول اجرا خارج شد و مجلس هفتم نیز با نامه دولت مبنی بر عدم اجرای لایحه نظام پرداخت هماهنگ حقوق موافقت کرد.

این لایحه که در زمان دولت قبلی به مجلس ارائه شده است. حاصل تلاش و اعتراضات منسجم و گسترده معلمان در سال ۸۲ است که منجر به یک سلسله اعتصابات و اعتراضات خیابانی در سرتاسر کشور شد و پس از آن این لایحه توسط دولت وقت به مجلس ششم پیشنهاد گردید اما شامل مرور زمان شد.

نکته ی قابل توجه در این میان آن است که معلمان دریافته اند که برای احقاق حقوق اولیه و پایه ای خود تنها باید به قدرت تشکیلات های صنفی و اعتراضات مدنی و صنفی خویش متکی باشند و فارغ از جناح بندی های سیاسی در هرم بالایی قدرت خواست های خویش را دنبال کنند خواست هایی که مستقیماً با معیشت روزمره این قشر زحمت کش جامعه گره خورده است بر همین اساس در تجمع روز ۱۶ بهمن در جلوی مجلس پرده ای سفید به طول حدود ۱۰ متر طول در دست داشتند که روی آن بریده جراید و نیز تصاویری از نامه های اداری وجود داشت. نوشته هایی که از یک چیز حکایت داشت: نامناسب بودن وضع معیشتی معلمان از زبان همه مسوولین رسمی کشور از جمله رئیس جمهور و وزیر آموزش و پرورش.

در این گردهمایی اعتراضی برخی از معلمان در سخنان کوتاهی، اعتراض خود را نسبت به عمل کرد دولت، وزارت آموزش و پرورش و مجلس اعلام کردند. در طول مراسم شعار هایی نیز داده می شد، از جمله: "خجالت، خجالت، مدعی عدالت"، "مجلس به این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی"، "می مانیم تا حق خود بگیریم"، "تعطیلی مدارس، جواب طرح مجلس"، "وزیر مترسک معزول باید گردد" و...

نکته ی دیگر آن که این تجمع تنها مختص به معلمان ساکن تهران نمی باشد بلکه از شهرستان های مختلف نمایندگان مجامع صنفی آمده بودند و به هم کاران خویش در تهران پیوستند. نمایندگان تشکل های فرهنگیان از سایر استان ها

و شهرستان ها از جمله گیلان، اصفهان، تهران، همدان، کرمانشاه، کردستان، شیراز، اردبیل، آستانه اشرفیه، پاکدشت، خمینی شهر، دزفول، خراسان و... نیز حضور داشتند. همچنین معلمان در بیانیه پایانی این تجمع اعتراض آمیز به این امر اشاره کرده اند که این مشکلات تنها مختص قشر معلم نیست بلکه با سرنوشت کل جامعه پیوند خورده است و از این امر اظهار تاسف کرده اند که دیگر اقشار با آنان هم راه نشده اند. "متأسفانه تاکنون سایر اقشار جامعه با معلمان همراه نشده اند و مشکل معلمان را مشکل کل جامعه ندیده اند"

بنا به گزارشات منتشر شده در نشریات رسمی حدود ۷۰۰ هزار نفر از معلمان زیر خط فقر زندگی می کنند در همین زمینه روزنامه سرمایه طی گزارشی درباره وضعیت اقتصادی معلمان کشور به نقل از یک عضو کانون صنفی معلمان نوشت: "در وزارت آموزش و پرورش ۷۰۰ هزار نفر از معلمان کشور حدود ۱۳۰ تا ۲۵۰ هزار تومان حقوق میگیرند یعنی در خط مطلق فقر زندگی میکنند". این مسئله می تواند موجب بحران های شدید اجتماعی فرهنگی شود. چگونه انتظار داریم که معلمی که از فقر مادی رنج می برد در راستای اعتلای علمی و فرهنگی فرزندان جامعه بتواند به خوبی نقش ایفا کند؟ زیر ساخت های فرهنگی و علمی جامعه را گسترش دهد؟ در حالی که خود در اولیه ترین امور زندگی مادی و روزمره اش عاجز مانده است؟ در حالی که هم چنان در بند معشیت خویش اسیر است؟

در کنار تمام این امور هر گاه معلمان برای رسیدن به خواست های مشروع شان دست به اعتراضات مدنی و آرام می زنند هم واره مورد هجمه قرار می گیرند و به آنان انگ سیاسی کاری زده می شود. آقای علی اکبر باغانی نایب رییس کانون صنفی معلمان در این زمینه می گوید: "هر بار که معلمان مساله معیشتی و بودجه آموزش و پرورش را مطرح میکنند مسوولان حساس بودن زمان و مسایل برون مرزی را مطرح میکنند. قرار است حقوق کارکنان آموزش و پرورش را وزارت دارایی بپردازد. این مشکلی است که در حال حاضر پیش آمده، اکنون معلمان با حقوق ناچیز خود زندگی میکنند و امکانات و اضافه کارشان هم به حداقل رسیده است".

در همین رابطه متأسفانه برخورد های نامناسبی که از طرف مسئولان امنیتی با معلمان معترض صورت می گیرد نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه به گره های کور این جریان می افزاید. حضور بی جهت و پررنگ نیرو های انتظامی در هر کدام از تجمعات آرام و مدنی این قشر فرهنگی، تهدیدات مجامع صنفی و تشکلات موجود و فعالین صنفی معلمان و دست آخر اخراج و تبعید نسلان نو دینان از فعالین صنفی معلمان در شهر سنندج، که در این مورد آخر معلمان در بیانیه پایانی تجمع روز ۱۶ بهمن خواستار لغو تبعید و بازگشت ایشان به سر کار خویش شده اند: "ماخواستار لغو تبعید پیمان نودینیان و بر طرف شدن مشکلات حقوقی و آموزشی و بازگشت ایشان به سنندج هستیم". هم چنین در مورد هرگونه برخورد غیر موجه با فعالین صنفی و معلمان معترض هشدار داده اند: "لازم به ذکر است در صورت دستگیری یا ایجاد هر گونه مشکلی برای معلمان و اعضای تشکل های سراسر کشور تجمع عمومی فرهنگیان در مقابل مجلس شورای اسلامی بر گزار خواهد شد".

این بیانیه که در پایان تجمع روز ۱۶ بهمن خوانده شد که به امضای «دبیر خانه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران» و «کانونهای صنفی» متعدد معلمان در شهرهای مختلف کشور رسیده است.

پی نوشت: گزارش خبری - تحلیلی از روند مبارزات کارگری در ماه بهمن  
اختصاصی وبلاگ کارگر